جلسه اول (19/11/89)

بسم الله الرحمن الرحیم

یقع الکلام فی مناسک العمرة والحج

ما بخاطر اینکه مباحث ابتدای مناسک مباحث مفصلی است راجع به استطاعت، نیابت، وصیت به حج و... واکثر آنها خارج از محل ابتلاء هست لذا فعلا آن مباحث را مطرح نمی کنیم بلکه از ابتداء مناسک عمره وحج بحث کردیم و اگر فرصت بود در آخر بحث به عنوان لواحق بعضی از موارد محل ابتلاء را مطرح می کنیم.

محور بحث مناسک آقای خوئی است چون ایشان شرح بر مناسک هم دارد.

مسالة 135:فی اقسام العمرة: العمرة کالحج فقد تکون واجبة وقد تکون مندوبة، وقد تکون مفردة وقد تکون متمتّعا بها.

ابتدا معنای لغوی عمره را مطرح کنیم: عمره در لغت به معنای زیارت آمده اعتمر زیدا ای زاره، البته علت اینکه به عمره گفته میشود زیارت ابن است که در عمرة عمارة الودّ است، در لسان العرب می گوید اعتمره أی قصده فی محل عامر، و ما وقتی به بیت الله الحرام مشرف می شویم قصد می کنیم زیارت البیت را در یک محل عامر، چون بیت الله اول بیت وضع للناس است وعامر هست.

اصطلاحا هم عمرة همان مناسک معروف است که مشهور میگویند دو قسم داریم: مفرده وتمتع، مفرده یعنی عمره ای که إفراد شده وقطع شده از حج، وارتباط به حج ندارد، لذا در بعضی روایات تعبیر کرده اند العمرة المبطولة، أی المقطوعة عن الحج، در مقابل عمره تمتع که مرتبط به حج است، ولذا کسی که در میقات محرم میشود برای عمره تمتع در روایات آمده که مرتبط بالحج یا محتبس بالحج لا یخرج حتی یقضی الحج، باید بعد از عمره تمتع در مکه بماند تا حج را انجام دهد، ولذا اینکه برخی فکر می کنند که در حج تمتع مستحب انسان می تواند بعد از عمره تمتع رها کند عمره تمتع را، ومثلا برود برای یک حج نیابی محرم شود و کارها را از اول شروع کند این درست نیست، لان المتمع محتبس بالحج لا یخرج حتی یقضی الحج، ولذا در روایات داریم که امام حسین علیه السلام در ذیحجه رفتند به أدنی الحل وآنجا محرم شدند برای عمره مفرده، لذا محتبس به حج نبود یذهب حیث یشاء، پس اینکه میگویند که امام حسین حجش را تبدیل به عمره کرد اشتباه است.

برخی از اعاظم در مناسکشان دارند که عمره قسم سومی هم دارد وهی عمرة القران، (کما ان الحج ایضا علی ثلاثة اقسام: تمتع ومفردة وقران)، یعنی کسی در هنگام محرم شدن با خودش قربانی بیاورد که بر او واجب میشود که قبل از تقصیر آن را بکشد چون صحیحه حلبی اطلاق دارد: لم یکن یستطیع النبی ان یحل من اجل الهدی الذی معه ولا تحلقوا روسکم حتی یبلغ الهدی محله، بله اگر ما بودیم ممکن بود نتوانیم این حکم را از آیه استخراج کنیم وگمان می کردیم مربوط به محصور ومسدود است، فان احصرتم فما استیسر من الهدی ولا یحلقوا روسکم حتی یبلغ الهدی محله، واصلا میتواند با همان اشعار یا تقلید محرم شود.

استاد: اشکال ما به ایشان این استکه درست استکه سوق الهدی احکام خاصه ای دارد ولی این احکام خاص نوع عمره مفردة را دو تا نمی کند چون عمره مفردة یعنی عمره غیر مرتبط به حج، حالا هدی با خودش آورده احکام خاصی به همراه دارد، در حالیکه در حج قران ظاهر روایات این است که اصلا نوع حج فرق می کند با حج افراد، یعنی عنوان قصدی است، مثل نماز ظهر وعصر، ونافله صبح ونماز صبح، اما در عمره دلیل نداریم اما در حج دلیل داریم ودلیل صحیحه حلبی است که حجة الوداع را توضیح می دهد می گوید: لا ینوون عمرة ولا یدرون ما المتعة، اصحاب پیامبر اصلا نمی دانستند که عمره چیست لذا همه محرم شدند به حج اصحاب محرم شدند به حج افراد وپبامبر محرم شدند به حج قران، چهارم ذیحجه وارد مکه شدند واعمال را انجام دادند بعد از سعی پیامبر فرمود: هذا جبرئیل أمرنی که بگویم: من لم یسق الهدی منکم یتحلل من احرامه یعنی عدول کند از حج افراد به عمرة تمتع اما أنا فقد سقت الهدی ولا یحل لسائق الهدی أن یحل حتی یبلغ الهدی محله، امیرالمومنین نبودند بلکه از یمن آمدند ووارد بر حضرت زهرا شدند، دیدند ایشان مُحلّه است، آمدند خدمت پیامبر دیدند ایشان محرمند، علت را پرسیدند فرمود چون من سوق هدی کرده ام نمی توانم عدول کنم به عمره تمتع ، اما انت یا علی بم اهلالک؟ فرمود من گفتم: اهلالا کاهلال النبی، پیامبر فرمود اما أنت فتکون شریکا معی فی هدیی، حدود 66شتر را برای خودش نگه داشت و34 شتر را به علی علیه السلام داد، خوب علی علیه السلام که نه سوق الهدی کرده بود ونه احرامش با اشعار وتقلید بود بلکه تلبیه گفته بود، چگونه پیامبر فرمود کن علی احرامک مثلی وشریک معی فی هدیی؟ معلوم می شود که نوع احرام علی علیه السلام شده بود حج قران، واجمالا قصد حج قران کرده بود، ونوع حج قران با حج افراد فرق می کند، ولذا گویا حضرت پرسید به چه نیتی محرم شده ای،( واز این روایت حالا یا امتیاز حضرت علی استفاده میشود یا حکم فعلی همه که نیت اجمالی کافی است، وسوق هدی هم به همین مقدار کافی است)، ولی در عمره مفرده همچنین دلیلی نداریم، وشاید مقصود ایشان هم این بوده که عمره قران ولو همان عمره مفرده است اما احکام ویژه ای دارد که ما این را قبول داریم.

مسالة 136: آیا ما که دور از مکه ایم ونائی هستیم ( من بعد عن مکة 18 فرسخا) در مقابل حاضر، حاضر اگر برای حج مستطیع نبود وفقط برای عمره مفرده مستطیع باشد بلا اشکال واجب است عمره مفرده بجا آورد، حالا نائی چطور؟ قدیم هم ممکن بود پیش بیاید، نائب می گرفت مستطیع عاجز از حج صرورۀ لا مال له را، خوب این نائب از طرف این آقا آمد مکه، بعد از حج تمتع که وقت دارد برود ادنی الحل محرم شود برای عمره مفردة البته بعد از ایام تشریق،(چون در ایام تشریق عمره مفرده مشروع نیست، کما وردت فی صحیحة: حتی تمضی ایام التشریق ولا عمرة فیها، وورد فی کلمات بعض الاصحاب)، یا گاهی شخصی دیگری تبرعا میخواهد او را عمره مفرده ببرد لذا او مستطیع میشود، الآن هم که زیاد پیش می آید وخیلی ها مستطیع برای عمره مفرده هستند هر چند مستطیع برای حج تمتع نیستند چه کنند؟

برخی از فقها فرموده اند واجب است کالسید الزنجانی فی المناسک القدیم اذا استطاع للعمرة المفردة من بلده، (ولو بعدا کلا عدول کرده اند)، یا آقای بروجردی احتیاط واجب می کرد، دلیلشان چیست؟

دلیلشان روایات وآیات است، اما الروایات:

1- صحیحة معاویة بن عمار: العمرة واجبة علی الخلق بمنزلة الحج علی من استطاع لان الله عزوجل یقول "واتموا الحج والعمرة لله"، وانما انزلت العمرة بالمدینة، قلت له فمن تمتع بالعمرة الی الحج أیجزئ ذلک له؟ قال نعم.

سه نکته از این روایت استفاده میشود:1- العمرة واجبة علی المستطیع واین اطلاق دارد چه مستطیع حج باشد چه نباشد.2- می فهمیم که آیه شریفه هم همین مطلب را بیان می کند چون استدلال به آیه کرد،( برخی از آقایان میگویند که این آیه نمیگوید که عمره یا حج را شروع کن بلکه میگوید اگر آنها را شروع کردی تمام کن، ولی حضرت در این صحیحة وجوب شروع هم فهمید یعنی آیه را اینجور معنا کرد که: وائتوا بحج تام وعمرة تامة، چون حضرت نفرمود که اتمام عمره واجب است بعد از شروع، بلکه فرمود: عمرة واجب است علی الخلق ...) 3- ذیل صحیحة سائل می گوید کسی که عمره تمتع بجا آورد آیا مجزی از عمره مفرده هست یا نه؟ فرمود: بله، همین اجزاء دال بر وجوب عمره است منتهی یجزی عنه العمرة التمتع.

2- معتبرة فضل البقباق: عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل "واتمو الحج والعمرة لله": قال هما مفروضان.

3- صحیحة عمر بن اذینة: سالت عن قول الله عزوجل "ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا"، قال علیه السلام یعنی به الحج والعمرة جمیعا لانهما مفروضان.

 یا درباره اتموا الحج والعمرة لله هم فرمود یعنی بتمامهما ادائهما.

 ببینیم آیا این استدلال به کجا می انجامد.